

نشریه آمریکایی:

وادار کردن ایران به مذاکره مستقیم با آمریکا کار آسانی نیست

نشریه آمریکایی امریکن هرالڈ تریبیون می‌نویسد اهمیت ژئواستراتژیک محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران از منظر امنیت ملی ایجاب می‌نماید که ایران با بسط قدرت و اقتدار خود در کشورهای همسایه و پیرامونی، امنیت ملی خود را در بیرون از مرزهای خود تأمین نماید.

به گزارش گروه سیاسی ایسکانیوز، نشریه امریکن هرالڈ تریبیون در یادداشتی ادعا کرد که می‌توان به کمک جریان طرفدار سازش در ایران، رهبری ایران را به سمت مذاکره مستقیم با آمریکا هدایت کرد.

این نشریه آمریکایی البته تصریح کرد که این موضوع زمان‌بر است و هوشمندی سیاسی می‌طلبد چون رهبری ایران در مدیریت فضای سیاسی در داخل و بیرون تاکنون بسیار هوشمند عمل کرده است و هدایت ایشان به سوی زمین‌بازی کار آسانی نیست.

این نشریه آمریکایی همچنین بر این باور است که فرصت استثنایی کنونی تکرار شدنی نیست.

اَمریکن هرالڈ تریبیون در این یادداشت با اشاره به این که در چند دهه اخیر منطقه خاورمیانه، به عرصه‌ای برای رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است، می‌نویسد: این دو بازیگر بزرگ بارها و در محیط‌های مختلف و بر سر موضوعات متفاوت در میدان نظامی و در میز مذاکره پنجه در پنجه هم‌دیگر انداخته‌اند. هریک تلاش دارند دیگری را در عرصه قدرت سخت و نرم مغلوب کنند و از میدان مدیریت منطقه کلید خاورمیانه دور کنند.

به نوشته این نشریه آمریکایی، اهمیت منطقه خاورمیانه را به‌طور روشن می‌توان در جهت‌گیری‌های این دو نظام سیاسی مشاهده نمود. از چندین دهه پیش اهمیت راهبردی این منطقه برای سیاست‌گذاران و سران کاخ سفید روشن شده بود و مسئله اهمیت انرژی برای مصرف‌کنندگان غربی، اهمیت ژئوپلیتیک منطقه به عنوان پل ارتباطی سه قاره و کانون حمل‌ونقل تجاری و نیز اهمیت ژئوکالچرال این منطقه - به عنوان مهد تمدن‌ها و ادیان - از همه مهم‌تر وجود اکثریت مسلمان به عنوان مهم‌ترین مانع در برابر گسترش قلمروی نفوذ تمدن لیبرال، موجب گردید که در راهبردهای کلان ایالات متحده آمریکا و به‌طور کلی دولتهای غربی، از توجه به این منطقه غفلت نگردد. از دیگر سو اهداف و آرمان‌های نظام برآمده از انقلاب ۱۹۷۹ در ایران به عنوان گسترش گفتمان اسلام سیاسی که از آن تحت عنوان اسلام خالص یاد می‌شود، در اولین نگاه به منطقه جنوب غرب آسیا و آفریقای عربی خاستگاه این تفکر چشم دوخته است.

همچنین اهمیت ژئواستراتژیک محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران از منظر امنیت ملی ایجاب می‌نماید که ایران با بسط قدرت و اقتدار خود در کشورهای همسایه و پیرامونی، امنیت ملی خود را در بیرون از مرزهای خود تأمین نماید.

اَمریکن هرالڈ تریبیون در ادامه با بیان این که در سال‌های اخیر تهران تلاش داشت تا از جمهوری اسلامی یک نماد موفق مقاومت و استقلال بسازد و بدین طریق پتانسیل‌های استقلال‌طلبی را در منطقه تقویت کند، نوشت: جمهوری اسلامی ایران توانسته است با استقلال‌طلبی در برابر مداخلات قدرتهای غربی و در عین حال رشد اقتصادی و فنی (با وجود محدودیت‌های بین‌المللی)، توجه و حمایت

بسیاری از ناظران را به خود جلب نماید. ایران با حفظ وسعت مرزهای امنیتی خود به شکل کنونی، قادر خواهد بود امنیت ملی خود را تضمین نماید. با شکست نیروهای مورد حمایت ایران در منطقه، مرز امنیتی ایران تا مرزهای جغرافیایی این کشور عقب‌نشینی خواهد کرد و خطر مواجهه مستقیم با ایالات متحده، ایران را به طور جدی مورد تهدید قرار خواهد داد.

به نوشته این نشریه، تداوم ریشه‌های فعلی درگیری میان ایران و آمریکا را می‌توان در نتیجه‌ی تقویت روابط مبتنی بر تهدید متقابل تعریف کرد که بر این اساس دو طرف، افزایش نقش آفرینی، نفوذ و فرصت‌سازی را برای یکدیگر در سطح منطقه‌ای به معنای تهدید علیه منافع یکدیگر فرض کرده و سعی در جلوگیری از آن دارند. به عبارت دیگر، ایران به دلیل ویژگی‌های خاص خود، به‌طور طبیعی خواهان نقش آفرینی به گونه‌ای متناسب با قدرت و شأن خود در سطح منطقه می‌باشد. در این روند، جمهوری اسلامی ایران افزایش نفوذ و حضور آمریکا در سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی منطقه را تهدیدی مستقیم برای کشور و افزایش نقش و جایگاه منطقه‌ای خود تلقی می‌کند. در مقابل، آمریکا نیز افزایش نفوذ ایران را در منطقه با توجه به سابقه‌ی سیاست و ماهیت ضدسلطه و ضدآمریکایی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی علیه منافع ملی خود در جهت دسترسی به استراتژی درازمدت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی خود در منطقه در نظر می‌گیرد.

این نشریه نوشت: در داخل ایران اگر چه اکثریت با سیاستهای نظام همراه هستند و تداوم سیاست مقاومت و تقویت قدرت متکی به ظرفیتهای داخلی را عامل کلیدی تامین منافع حیاتی ایران می‌دانند اما در مقابل جریان تجدیدنظرطلب که از سال [۱۳۷۶] با روی کارآمدن [دولت موسوم به اصلاحات] در شکل یک جریان قدرتمند وارد کارزار سیاسی در ایران شد، بار دیگر در سال ۱۳۹۲ با به قدرت رسیدن رئیس جمهور روحانی در مقابل جریان مخالف سازش، احیا شد و در ۶ سال اخیر توانسته است سریالی از مذاکرات را میان ایران با کشورهای اروپایی و آمریکا را شروع کند. که شاخص آن مذاکراتی بود به توافقنامه برجام منتهی شد. توافقی که با وجود خروج ترامپ از آن ایران همچنان بر آن پایبند مانده است.

امریکن هرالدریون در ادامه می‌نویسد: جریان معتدل در ایران تلاش دارد در دوران روحانی سازش با جامعه جهانی را ادامه دهد و ایران را به جامعه جهانی برگرداند. اما تجربه ثابت کرده است بدون دخالت دادن آمریکا این ایده سرانجامی نخواهد داشت. از این رو است که در کنگره احزاب ملی ایران برخی چهره‌های نخبه جریان طرفدار مذاکره و سازش با آمریکا خواستار مذاکره مستقیم با آمریکا شدند و برخی از مقامات آمریکایی نیز خواهان مذاکره مستقیم رهبری ایران با آمریکا شدند. این اشتراک تحلیلی نشان از آن دارد که می‌توان به کمک جریان طرفدار سازش در ایران، ایران را به سمت مذاکره مستقیم با آمریکا هدایت کرد. البته این موضوع زمان‌بر است و هوشمندی سیاسی می‌طلبد چون رهبری ایران در مدیریت فضای سیاسی در داخل و بیرون تاکنون بسیار هوشمند عمل کرده است و هدایت ایشان به سوی زمین بازی کار آسانی نیست. البته فرصت استثنایی کنونی تکرار شدنی نیست.

انتهای پیام/